



۲۰۱۶/۰۳/۰۸



دوکتور محمد ظاهر عزیز

## بزرگی و مقام زن

به مناسبت ۸ مارچ، روز جهانی زن  
قسمت دوم

### فرهنگ اسلامی و زن :

دین مبین اسلام برای زن مقام ارجمند به عنوان یک انسان قایل است. برحسب احکام آیات قران کریم، مرد و زن در خلقت از یک ذات و جوهرند. زن و مرد، برابر جدا نشدنی و متكامل هم دیگرند. حذف یکی از آنها انکار دیگری است چونکه خداوند (ج) همه انسانها را از شخص واحد و نفس واحد پدید آورده. در آیه اول سوره نساء، خداوند (ج) می فرماید " ای مردمان بترسید از پروردگار تان که بیافرید شما را از نفس واحد و بیا فرید از آن جفت آنرا و منتشر ساخت از آن دو، مردان بسیار و زنان" این آیه بما می فهماند که انسانهای سیاه و سفید، گندمی و زرد رنگ، مرد و زن، قد بلند و قد کوتاه، بنی بلند و بنی کوتاه، کم مو و یا کوسه، از یک ذات و جوهر اند و همه شان بنده گان خداوند (ج) هستند که با ارتباط و اعتبار جنس، بلندی قامت و رنگ مو و پوست، کرامت بیشتر ندارند. کسانی که در جامعه های اسلامی بطور دیگری فکر و عمل می نمایند، از ارزشهای اسلامی و احکام خداوندی، بی خبرند و در تاریکی فرهنگی مبتلا اند. در آیه نهم سوره نساء، خداوند (ج) بر مردان حکم می فرماید: "زندگانی کنید با زنان بوجه پسندیده." تفسیر این آیه بما می فهماند که خداوند (ج) در حق زنان مهربان است چونکه بر مردان حکم فرموده با زنان در گفتار و کردار، با خلق خوش و رفتار نیکو معامله کنند و ذلت و آزاری را که در دوره جاهلیت بر زنان روا میداشتند، ترک نمایند.

اسلام آن محاسن دروغین را که مردان با ارتباط هم نوع خود برای خود ساخته اند و خود را از زنان برتر میدانند، باطل می شمارد و چنین طرز تفکر و عقیده را یعنی برتری مرد را با ارتباط جنس او، ناجایز دانسته رد میکند. در اسلام نیک خصلتی، پرهیزگاری، ایمان و عمل صالح و پابندی به اوامر خداوند(ج) مقام بس بزرگی دارد. اسلام ملاک و معیار برتری را برکمال و فضیلت و تقوا می شمارد نه بر حسب جنسیت، قوم، نسب، خاندان یا رنگ. در آیه سیزدهم سوره الحجرات که حکم الهی است مبنی بر برابری انسانها، خداوند(ج) می فرماید " ای مردمان (هرآیینه) ما آفریدیم شما را از یک مرد و یک زن و گردانیدیم شما را نژاد ها و قبیله ها تا باهم شناسا شوید. به تحقیق گرامی ترین شما نزد الله پرهیزگار ترین شماست." این آیه مبارک که از یک طرف برتری انسانها را بر حسب نژاد، زبان، قوم و رنگ، باطل حکم میکند و مقام و برتری انسان را بر پایه تقوی استوار میداند، رهنمای کاملی است به منظور پیاده نمودن اصول و پایه های اجتماعی، عدالت و دیموکراسی واقعی، در کشورها و جوامع اسلامی، بر پایه های مساوات همه مردم و هر دو جنس زن و مرد. حضرت رسول اکرم (ص) پیغمبر مسلمانها در مورد زن صالح و مرد فاسد چنین فرموده اند " یک زن صالح و حق پرست، بهتر و شریفتر است از هزار مرد نا صالح و فاسد."

دین مبین اسلام در بارهٔ انکشاف مجموع ارزشهای فرهنگی مرد و زن از طریق پایه ریزی و تعمیم کامل تعلیم و تربیت برای هردو جنس، آموختن، نوشتن و نقش تعلیم و تربیت به منظور انکشاف فکری، توسعه امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و معنوی یعنی آموختن برای زیستن آرام و پرشرافت، توصیه های جدی، برحق و لازم ارائه می نماید. آموختن علم و دانش را بر زن و مرد لازم حکم میکند و استفاده از علم و دانش را جهت رفاه جامعه در قید فکر تنها مرد و یا تنها زن قرار نمیدهد. در نظر اسلام و با ارتباط هردو جنس مرد و زن، درجات ایمانداران و کسانی که علم و دانش کسب نموده اند، بزرگ و آنها صاحب احترام اند.

علم و دانش انسان را ادب و تهذیب می آموزد و صاحب فرهنگ انسانی می سازد. بر اساس تعالیم اسلامی هیچ نوع کیفیات حسنه بر جسته و بالاتر از علم و دانش که کسب آن بر زن و مرد فرض است، وجود ندارد. اهمیت تعلیم و تربیه در دین اسلام به حدی است که اولین کلمات وحی سماوی به عبارت "اقرا باسم ربک الذی خلق" می باشد و به همین اساس موضوع پرورش روحی و تربیت فکری یعنی توسعه فرهنگی مرد و زن، در لابلای تعلیم قرآنی، موضوعاتی است که در رأس همه مسایل قرار می گیرد و بر زن و مرد فرض میگردد. مراد از کسب تعلیم و دانش، تمامی علوم است، که انسان ها را در ارتقای فرهنگ، رفاه، انکشاف درجه و حالات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی کمک و یاری نماید. کسب هر نوع تعلیم و دانش در اسلام بر زن و مرد جایز، برحق و فرض است.

کشورها و جوامع اسلامی که احکام و تعالیم قرآنی را خوب فهمیده اند و از ارزشهای معنوی آن استفاده درست نموده اند، کوشش می نمایند با استفاده از روحیه و تعالیم قرآنکریم، در زیر عنوان فرهنگ اسلامی هدفها، روش ها و انکشاف تعلیم و تربیت را در رأس مسایل اجتماعی قرار دهند و جهت انکشاف فرهنگ تمام مردم و طبقات جامعه خویش، از ارزشهای ثابت آن استفاده عظیم می نمایند، چونکه اسلام به قابلیت فکری و فرهنگی بشر برای رسیدن به کمال، از راه تعمیم تعلیم و تربیه برای مرد و زن، دختر و پسر و بدون قید زمان و مکان و نوع دانش، حکم مجدانه دارد.

برحسب فرهنگ اسلامی و برای نخستین بار در تاریخ بشریت، نظریه آموزش مداوم، توصیه گردید و مسلمانان را دعوت کرد تا "از مهد تا لحد" یعنی "از گهواره تا گور" دانش بجویند. اسلام زنان و مردان را به آموختن امر کرد تا بتوانند به نوبه خود تعلیم و تربیه دیگران را به عهده بگیرند یعنی در انتقال انکشاف و پخش دانش و فرهنگ کوشش دایم، خسته ناپذیر و صاحب اعتبار بنمایند و بدین صورت اما با اطمینان کامل، فکر معقول و توسعه یافته بر مزایای احکام قرآن کریم و سنت حضرت رسول (ص) آشنایی کاملتر حاصل نمایند و بدین صورت، مرد و زن مشترکاً در پی یافتن و یا بازیابی راه های حیات آرام و پر شرافت با همه کیفیات انسانی یعنی توسعه فرهنگ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بر اساس مزایای "دین و دانش" و بدون قیود زمان و مکان دوشادوش همدیگر و بر حسب احترام و شرافت آدم و آدمیت، بکوشند.

## مقام، بزرگواری و مشکلات زن افغان:

با همه مشکلات اجتماعی و عدم تعمیم کامل سواد، در اصل و نبض جامعه افغانی، مقام زن نهایت شایسته و صاحب احترام است. اکثر مردان افغان عزت زن را برحق و یکی از ارزشها و سنت های فرهنگی قبول شده می شمارند. به صد ها واقعه در جامعه ما بوقوع پیوسته که مردان به منظور حفظ شرف زن، جان خود را فدا نموده اند. احترام به زن و چادر پاک او نه تنها از جهتی صورت می گیرد که جامعه افغانی در اصل یک جامعه با دیانت است بلکه روش های سنتی و اجتماعی جامعه ما، و در تمام نقاط و نواحی افغانستان، که دارای معنویات و ارزشهای فرهنگی چند هزار ساله است، در احترام به زن تأثیر خیلی عمیق دارد.

مانند سایر زنان دنیا، زن افغان نیز در ساخت، انتقال و پخش فرهنگ، شکل دادن نظام معنوی اجتماعی و اقتصادی جامعه خود سهم خیلی صاحب امتیاز گرفته است. اگر مجموع روشنی های فرهنگ مردم افغانستان را در طول تاریخ فرهنگ چند هزار ساله ما حتی یک مرور سریع هم بنمایم، به آینه های شفاف فرهنگ مردم خود بر می خوریم که سازندگان آن زنان افغان نیز

هستند. تمدن های خیلی پیشرفته ای که در این سرزمین ظهور نمود، بدرجه عالی انکشاف رسید و مردمان دور دست از تأثیرات آن بهره مند شدند، بدون سهمگیری زن افغان نه بروز کرده ، نه توسعه یافته و نه پخش گردیده اند. اگر تحقیق علمی و همه جانبه را در مورد سهمگیری زن افغان در انکشاف فرهنگ مردم افغانستان به زمان دیگری محول نمایم و در تاریخ نه خیلی دور و امروز نظر اندازیم ، افتخاراً از ستاره های پر نور فرهنگ خود نام می بریم که نمایندگان صاحب احترام از هزارها زن افغان اند، چون ملالی، نازو، رابعه بلخی، گوهر شاد بیگم، مستوره افغان، زرغونه انا، زینب هوتکی، عایشه درانی و دیگر صدها زن دانشمند و پر افتخار افغان. این زنان صاحبقدر شماری از هزاران زنان دانشمند، وطنخواه وبا فرهنگ هستند که در طول زمان صاحب خدمات بزرگ فرهنگی در کشور ما شده اند.

من معتقدم که در جامعه ما اکثریت مردان به زن احترام خاص قایل اند و زن افغان را شایسته و شریک همه خوبی های اجتماعی و فرهنگی میدانند و به او حق کسب تعلیم و تربیه و حق اشتراک در امور اجتماعی، اقتصادی و دولت داری قایل اند اما بعضی کسان محدودی از مردان هستند که اسباب ظلم، بدرفتاری ، بی ادبی و سلب حقوق زن افغان خاصاً سلب حق دسترسی به تعلیم و تربیه زنان و دختران را برای زن افغان، بوجود می آورند. این نوع مردان که در تاریکی فرهنگی و بی دانشی کامل غرق اند، نه از احکام اسلامی باخبر اند، نه از مزایای کسب تعلیم و دانش و نه از ضرورت های امروز در جامعه انسانی. آنها در حقیقت انسانهای تاریکی هستند که درجه انسانیت شان رشد چندانی نکرده است و در تاریکی فرهنگی زندگی می نمایند.

زنان افغان در طول تاریخ وطن شان در پخش ارزشهای معنوی، توسعه فرهنگ، دفاع از ناموس وطن، تربیت و اداره خانواده، دوشا دوش مردان و با جرأت صاحب قدر و صفای ضمیر سهم گرفته اند و در تاریخ وطن صفحات درخشان و پرافتخار باز نموده اند.

در طول تاریخ دور و نزدیک کشور ما، سهم زنان افغان در مبارزات آزادی بخش ملت افغان علیه تجاوزات خارجی خیلی با اهمیت است. در این مبارزات زنان افغان دوشا دوش مردان و به منظور حفظ ارزشهای معنوی، فرهنگی، تمامیت ارضی و آزادی جنگیدند، فلذا در آن افتخاراتی که نصیب ملت افغان گردید، زنان افغان با مردان مساویانه شریک می باشند.

سهمگیری زنان در جهاد، تشویق جوانان و مردان به منظور دفاع از دین و وطن با صدها آهنگ های ملی و ادبی که در فرهنگ ادبی مردم ما ارزش و مقام خیلی بزرگی دارد، مردان را تشویق و تحریک بیشتر نمود تا دلاورانه بجنگند و از دین، ناموس وطن و فرهنگ خود دفاع نمایند.

قبلاً تذکر دادم که جامعه اصیل افغان در قریها، شهرها و همه گوشه وکنار این وطن صاحب ارزشهای معنوی و فرهنگی، به شرف و فضیلت زن احترام گذاشته و زن افغان را صاحب عزت میدانند. دانشمندان امور دینی، مردان صاحب دانش و با فرهنگ، شعرا و نویسندگان از حقوق زن دفاع نموده و توصیه هایکه با اصل های معنوی و روحیه اجتماعی و ایجاب عصر و زمان توافق دارند، در جهت دفاع از حقوق زن افغان و امر کسب تعلیم و دانش او و بالاخره سهمگیری ثابت و بلاقید زن در ساخت و توسعه فرهنگ، نموده اند. زنان افغان خود در وقت و زمان و جاهای که وسیله و موقع برای ایشان میسر بود، دست از اخذ تعلیم و دانش و سهمگیری در معرفی، انکشاف و پخش فرهنگ و الای افغانی دریغ ننموده، در مراجع بین المللی نه تنها از حق خود دفاع نموده اند بلکه در حفظ و معرفی ارزشهای فرهنگی وطن محبوب شان خدمات بس شایسته نموده اند.

باحسن احترام به همه زنان افغان، زنان پاک نفس و با سیرت، زنان مجاهد و مبارز، زنان با دیانت و با فرهنگ و زنان دانشمند و صاحب ارزشهای معنوی که همه شان آینه های ظاهر و باطن جامعه ما هستند و با ابراز احترام و احساسات شریف به همه خواهران و مادران، در هر جا و هر وطنی که زندگی می کنند، من روز شریف زن را برای شان تبریک عرض می نمایم.

دفاع از حقوق زن، حرمت به شرف و عزت او، تشویق زن و دختر افغان به فرا گرفتن تعلیم و دانش و حق اشتراک او در همه امور حیاتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دولتمداری اساس دینی و فرهنگی دارد. دانشمندان دینی، شعراء و نویسندگان در راه دفاع از تمامی حقوق زن افغان آثار خیلی با ارزش از خود بجا مانده اند.

اینجانب به صفت آموزگار، در جهت دفاع از حقوق زن و دختر افغان، افتخاراً یاد آوری می نمایم که داستانی به نام **گلنار** در ۴۲۴ صفحه نهمین که در تابستان ۱۳۹۲ در کابل به طبع رسید و با لطف کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به مطبوعات معرفی شد و به هموطنان رایگان توزیع گردید.

تقریباً چهل سال قبل یکی از شعرای نامدار و با فرهنگ افغانستان استاد مرحوم ضیاء قاریزاده که در توسعه بسیاری از مظاهر فرهنگی وطن خدمات ارزنده نموده است، به عنوان خطاب " به دختران شرق " که در این اثر پر قیمت دختر افغان را گلدسته آرزوی شرق خطاب می نماید ( بشنو که تو آبروی شرقی - گلدسته آرزوی شرقی)، بعد او را متوجه ارزشهای اصیل و وطنش میگرداند و زن و دختر افغان را به کسب علم و دانش توصیه می فرماید. مرحوم قاریزاده فکر پیشرفته و نظریات خویش را که افق جهانی دارد با کلمات پر شور و احساس در صفت، مقام، عزت و ارزش معنوی زن در جامعه و به زبان شیرین مادر که من در این نوشته بعضی از کلمات صاحبقدر مرحوم ضیاء قاریزاده را انتخاب نموده ام ، چنین بیان می نماید:

در بحر محاط زندگانی	در زورق این جهان فانی
زن لنگر و مرد باد بانست	زن بازوی مرد را توانست
زن هادی کاروان هستیست	زن تکیه نردبان هستیست
در حق و حقوق اجتماعی	در جمله شقوق اجتماعی
سهم زن و مرد شد برابر	این است وصیت پیمبر
در محمل و کاروان هستی	هستند دو همعنان هستی

دو دست ز هم گره گشاید

یکدست صدا نمی براید

بلی ای خواهر عزیز و با عفت افغان، بدون تو جامعه افغانستان تکمیل نخواهد بود و بدون اشتراک کامل و صادقانه تو در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، آینده وطن مشترک من و تو تار و تاریک خواهد بود. مردان نجیب این دیار به تو و مقام تو، به نجابت تو، به عزت و پاک دامنی تو که محصول سنت ها و ارزشهای معنوی و فرهنگی مادران و پدران این سرزمین فرهنگزاست، احترام می گذارند و از حقوق تو دفاع می نمایند. تو شایستگی خود را به صفت پاکیزه ترین و شریف ترین انسان جامعه افغان در طول صدها سال خاصاً تاریخ معاصر و امروز و طنت با چنان نجابت ثابت نمودی که نمونه از صفات انسانی به حساب آید. تو در کسب افتخارات ملی و جهاد سهم گرفتی اما دست پاک تو به خون خواهر و برادرت آلوده نشد. مردان با دیانت و پاک نفس وجود و حضور ترا در محافل شرم و عار نمیدانند چونکه تو خواهر ما و مادر امروز یا فردای فرزند وطن هستی. تو حق زندگی، حق تعلیم و کسب دانش و حق کار داری. تو حق و وظیفه داری که علاوه از تربیت صالح فرزندان در بازسازی وطن و ساخت و توسعه فرهنگ و طنت چنان سهم فعال و بزرگ داشته باشی که هر مرد با شرف و وطن دوست دارد. تو حق و وظیفه سهمگیری در التیام بخشیدن درد های خواهران و برادران داری. تو این همه حقوق و وظایف را داری چونکه دین مبین اسلام، ارزشهای معنوی و سنتی مردم و طنت و اعلامیه جهانی حقوق بشر مذکور را به تو اعطا نموده اند.

تو مانند مردان وظیفه و حق اشتراک در بازسازی وطن، حصول و پیاده نمودن دموکراسی ملی، تربیت فرزندان کشور و بالاخره ساخت یک جامعه پرافتخار و مرفه افغانی را داری چونکه تو انسان قابل احترام هستی و خداوند(ج) و پیغمبر اسلام (ص) این حقوق را بتو اعطا فرموده اند. هستند کسانی که زمینه امکانات آموزش، حق کار و حق اشتراک ترا جهت ساختن یک جامعه صاحب فرهنگ، مرفه و پرافتخار، گرفته اند و ترا جبراً در چهار دیوار خانه محبوس نموده اند.

این کسان تصور می نمایند که آموختن تعلیم زن به منزله فرو پاشی ارزشهای معنوی و فرهنگی باشد، در حالیکه قرآنکریم و پیغمبر اسلام (ص) به تو حق کسب تعلیم و تربیت، بهتر بگویم حکم آموختن تعلیم و تربیت صادر فرموده. بعضی مردان ترس دارند که با سواد کردن زن پیامدهای وخیم اجتماعی بیار خواهند آورد و قدرت را از ایشان خواهد گرفت. چنین تصور ارزش معنوی و علمی و اخلاقی ندارد و عاملان آن احکام دین مبین اسلام و پایه های فرهنگی جامعه اصیل افغانی را یا نمیدانند و یا فراموش کرده اند. ای خواهر عزیز و باشرف افغان:

**" مخالفان تو بی فره اند و بی فرهنگ – معادیان تو نا فرخند و نافرزان "**

پایان قسمت دوم

و ختم



